

متن پیاده سازی شده جلسه پانزدهم خارج فقه سیاسی 17 دی 1399

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در جلسه ی قبل وقتی پنج دلیل را بحث کردیم گفتیم ما بنا نداریم که دیگر بقیه ی ادله را با این تفصیلی که تا حالا داشتیم بحث کنیم و می خواستیم بقیه ی ادله را گزارش گونه و به صورت پشت سر هم بیاوریم و بعد هم با هم نقد کنیم؛ اما وقتی قلم به دست گرفتیم دیدم این کار درست نیست لذا آن مطلب جلسه ی قبل را اصلاح می کنیم و به همان سبکی که داشتیم پیش می رویم البته برخی از ادله را با هم ادغام می کنیم.

دلیل ششم

این بحث ششم بحثی است که در موارد مختلفی به کار می آید.

برخی گفته اند ما یک سری واجبات داریم یعنی تکالیف (منظور از واجبات الزامات است که هم شامل واجبات می شود و هم محرمات ولی فعلا بیشتر تمرکز بر روی واجبات است) ما یک سری الزامات داریم که مخاطبش و مکلفش مجتمع انسانی است (مجتمع انسانی یا مجتمع اسلامی) می گوئید مجتمع یا جامعه به تعبیر فارسی که وجودی ندارد به غیر از وجود افراد یعنی چه که مجتمع مکلف است؟ پاسخ می دهد درست است که مجتمع به نظر دق عقلی واقعی غیر از وجود افراد چیزی نیست ولی از نظر حقوقی، عرفی برای مجتمع گاهی شخصیت تصور می کنند و لذا می گویند این جامعه هلاک شد، این جامعه زنده شد، وظیفه ی جامعه این است، این جامعه حقوقی دارد و نمی توان گفت همه ی این ها مجاز است. حالا که مجتمع وجود عرفی واقعی دارد در شریعت مطهر یک واجباتی در این مجتمع، به این مجتمع متوجه شده است همانطور که افراد واجباتی دارند و الشریعة الاسلامیه كما اوجبت علی الفرد واجبات فکذلک وضعت علی عاتق المجتمع واجبات و تکالیف که خوطب بها الامة الاسلامیه پس یک سری واجبات فردی داریم که مخاطبش افراد هستند، یک سری واجبات داریم که مجتمع مخاطب است مثل الزانیة و الزانی فاجلدوا، السارق و السارقة فاقطعوا، جاهدوا الکفار، و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة این ها واجبات فردی نیست و مخاطب هم زید و عمرو و حسن و حسین نیست، امت مکلف هستند، حال که امت مکلف هستند، نمی توانند که همه ی امت ورود کنند، اگر قرار شد همه ی اهل قم مجاز باشند فلان زانی را شلاق بزنند، ببینید چه هرج و مرجی می شود لذا باید یک قوه ای یک قدرتی متمرکز باشد که این کارها را انجام دهد با این که مخاطب مردم و امت اسلام هستند ولی باید یقوم بتشکیل دولة مقتدرة و يفوض اليها مهمة القيام بهذه التكاليف. اگر قرار شد دولتی باشد آیا مردم از باب مقدمه ی واجب بر آن ها واجب هست که بیایند و این قدرت را ایجاد کنند یا نه؟ به چه وسیله ای می خواهند این قدرت را ایجاد کنند؟ با رأی دادن. و ما هم چیزی غیر از این نمی خواهیم بگوئیم که باید مردم در تشکیل دولت حضور داشته باشند.

این استدلال برای این مطلب. این که در ابتدا گفتیم بحث بحثی است که در خیلی از موارد می آید برای این بود که یک بحثی است که این طور واجبات واجبات عینی است یا کفایی یا قسم سومی است؟ این مطلب را در اصول ما بحث کردیم و گفتیم که این واجبات قسم سوم است بر خلاف آن چه که در کتاب های اصولی آمده است.

این شد دلیل ششم.

این امور را ما باید بفهمیم: جنس فاجلدوا در «الزانیة و الزانی فاجلدوا...» با «اقیموا الصلاة» متفاوت است یا نه؟ این دلیل علی رغم ظاهرش پشتوانه ای ندارد.

اولا این که بگوییم مجتمع شخصیت حقیقی (نه حقوقی) دارد که شدیداً محل بحث و گفتگو است غیر از وجود افراد در تخصص من نیست ولی در حدی که من مطالعه کرده ام این است که قابل فهم نیست و آنچه قابل تصور است این است که بگوییم شخصیت حقوقی دارد مثل این که مسجد شخصیت حقوقی دارد، شرکت شخصیت حقوقی دارد و می گویند این شرکت تأسیس شد، اموال شرکت، شرکت ورشکست کرد، فرش مسجد و ... این که بگوییم جامعه هم مثل مسجد و شرکت شخصیت حقوقی دارد قابل فهم است و ما با این مخالف نیستیم ولی یک خط قرمز داریم که اشخاص حقوقی احکام تکلیفی متوجه آنان نمی شود. ما از صاحب دراسات سؤال می کنیم که به مجتمع بما هو مجتمع واجبات متوجه می شود، واجبات یعنی اگر انجام نداد مستحق عقاب است، آیا می توانیم نسبت بدهیم به اشخاص حقوقی؟ بله یک سری امور چه معرفتی مثل این که می گوییم این جامعه مرد، هلاک شد و ... اما یک جا دلیل داریم (البته دلیل هم داشته باشیم باید توجیه کنیم) که حکم تکلیفی متوجه شده باشد؟ یعنی چه که حکم تکلیفی متوجه مجتمع است؟ می گوئید پس این موارد را مثل الزانیة و الزانی فاجلدوا را چه می کنید؟ اگر بگویید یعنی همه ی مردم غلط است چه به نحو کفایی و چه به نحو عینی و اگر بگویید مراد حاکم جامعه است، حاکم جامعه را نباید با این تعبیر بگویند، جالب این است که در برخی موارد می گوید: یا ایها الذین آمنوا و بعد چنین واجباتی را می آورد؛ ما در این جا پاسخ دادیم و گفتیم در این جا ولو خطاب به مؤمنین است ولی این در حد مفاهمه است وگرنه در واقع مخاطب گروهی از مؤمنان هستند که عهده دار این کار باید بشوند، مثلاً اگر گفت یا ایها الذین آمنوا فاجلدا الزانی و الزانیة باید ببینند چه کسانی در جامعه عهده دار اجرای حدود است، جایی که می گوید اعدوا لهم ما استطعتم درست است که خطاب به مؤمنین است ولی در این جا کسانی که باید عهده دار اعدوا بشوند مخاطب اصلی هستند.

بنابر این اصل این استدلال به هم می ریزد.

الحمد لله رب العالمین